

تعامل علم و هنر در مکانی به نام موزه

گیسو فکوری نوشاد

می توان ساده ترین تعریف هنر را بدین گونه بیان کرد:

واکنش انسان در برابر شکل ,سطح, حجم اشیایی که حاضر بر حواس او باشند. بعضی از آرایشها در تناسب شکل و سطح و حجم اشیا که منجر به احساس لذت می شوند . حس تشخیص روابط لذت بخش ,همان حس زیبایی است ولی هنر ضرورتا خود زیبایی نیست بلکه شیوه های ظریف بیان زیبا را هنر می نامیم.

کلمه ساده هنر غالبا مربوط به آن هنرهایی است که ما آنها را به نام هنر تجسمی یا بصری می شناسیم. هنر چه در گذشته و چه در حال حاضر غالبا یک امر زیبا بوده و هست . همیشه ذهن انسان با سئوالاتی در مورد تاریخ هنر در گیر بوده است. سئوالاتی مانند این که ,از چه زمان بشر شروع به آفریدن آثار هنری کرد ؟ چه چیز او را بدین کار برانگیخت ؟ نخستین آثار هنری از چه نوع بود ؟

ابتدای ترین نیاکان ما حدود یک میلیون سال قبل با دو پای خود بر روی زمین به حرکت در آمدند. لیکن اینکه در آن هنگام از دو دست خویش چگونه استفاده می کردند بر ما پوشیده مانده است.

نخستین آثاری که از انسان ابزارساز به دست آمده متعلق به 600000 سال قبل است. اولین آثار هنری انسان ابتدایی حدود 20000 سال پیش با نخستین نقاشی آغاز شد. گاو وحشی زخم خورده که در غار آلتامیرا واقع در شمال اسپانیا کشف شده اولین اثر هنری جهان به حساب می آید. پس انسان دوره پارینه سنگی اولین انسان هنرمند بوده است و شاید وی هنوز با ابزارهای خلق آثار هنری آشنایی نداشته لیکن از 2000 سال قبل هنر در زندگی انسانها جاری بوده و هست.

و اما جوهره اصلی هنر با دستاویز قرار دادن عناصر هنری ,بیان زیبای مفاهیم عمیق و پیچیده است. مفاهیمی که به سادگی و بدون نگاهی زیبایی شناسی یا استتیک قابل درک نیست و برای بیان آنها و انتقال دقیق آنها به بیننده ,عناصر بصری و هنری آن باید در نظر گرفته شود.

ابزار ارتباطی هنر وابسته به عناصر مادی یک اثر هنری است. عناصر مادی یک اثر هنری شامل موارد زیل است:

1- وزن (ریتم) 2-خط 3- تراکم صور 4-فضا 5- سایه روشن و رنگ

هنرهای بصری در توصیف و بیان ابعاد روانی و معنوی انسان امروزی از قدرت و توانایی ویژه ای برخوردارند, حال چرا باید بین مقوله ارتباط و مفهوم بیان تفاوت قایل شد؟

از این منظر ,بیشتر جنبه ارتباطی هنر مطرح می شود ,مثل علامتها و نشانه ها بی که به نوعی با انسان ارتباط برقرار می نمایند. هنر این هدف را تامین می کند.

پس عناصر به خلق یک مفهوم و عینیت بخشی به آن کمک می کند. بدون هنر ,یا بهتر بگوییم بدون استفاده از مواد خاص در شرایط و شیوه های ویژه ,به هیچ وجه امکان درک یک بیان عینی از وضعیت های احساس وجود نخواهد داشت.

و اما هفت رشته هنری و ارتباط آنها: 1- رقص 2- نقاشی 3- موسیقی 4- مجسمه سازی 5- معماری 6- تئاتر 7- سینما

ما قصد تعریف یا توضیح مفاهیم این هفت هنر را نداریم و لیکن ارتباط آنها با یکدیگر بیشتر مورد توجه قرار می گیرد . این هفت هنر یاد شده در ارتباط با یکدیگر در مکانی به نام موزه با هم تلاقی پیدا می کنند و به وحدت می رسند . موزه مکانی هست که این مکان موجب پیدایش انگیزه برای سیر تفکرات بیننده در حوزه ی این هنرها ,فراتر از آنچه که تاکنون می شناخته می شود.

موزه به مکانی گفته می شود که در آن مجموعه ای از اشیاء به منظور نمایش، بررسی و تحقیق و نگهداری در جمع آوری می شوند و در معرض دید قرار می گیرند. این اشیاء می توانند از هر سنخی باشند. و موزه ها نیز تحت تاثیر تنوع اشیاء به انواع مختلف تقسیم می گردند:

۱ - موزه مردم شناسی 2- موزه های هنری 3- موزه های باستانشناسی 4- موزه های علوم و ...

و اما موزه های علوم :

یکی از مشخصه های بسیار واضح هنر ، نوع و استعداد است ، همانطور که از مشخصه های مهم علوم نیز می توان به نبوغ و ابتکار و استعداد اشاره کرد همخوانی این دو موضوع ما را به تفکر وا می دارد و اینکه سوای دیدگاهی که در مورد قضاوت علم و هنر مبنی بر اینکه علم با منطق و استدلال سروکار دارد و هنر با احساس ، چگونه می توان وحدتی میان علم و هنر ایجاد کرد؟ آیا این دو موضوع متفاوت زمانی می توانند با یکدیگر هم پوشانی داشته باشند؟

این هم پوشانی و وحدت در مکانی به نام موزه اتفاق می افتد، مکانی که اهدافی بسیار متعالی دنبال می کند .

آیا برای مطالعات علمی و تحقیق و پژوهش ، موزه می تواند مکانی مناسب باشد؟ با یکبار شنیدن کلمه موزه ، اشیاء هنری به ذهن انسان تداعی می شود و این تداعی چقدر بجاست . ما در تعریف موزه ها اشاره کردیم که موزه به مکانی گفته می شود که این مکان موجب پیدایش انگیزه برای سیر تفکرات بیننده ، فراتر از آنچه تاکنون می شناخته شود.

این تعریف در برگزیده همه انواع موزه هاست ، چه موزه هایی که اشیاء هنری و لوکس و آنتیک در آنها نگهداری می شود و چه موزه هایی که نه براساس قدمت و سن اشیاء بلکه براساس کاربرد متحول کننده آنها چیده شده و نگهداری می شوند ، است.

در هر دو نوع موزه ، بازدید کننده بعد از بازدید چند ساعته از موزه ، متحول می شود و هنگام ترک آن در تفکر و اندیشه غوطه ور است.

حال این اندیشه و تفکر جنبه های زیبایی شناخته یا استتیک داشته باشد، یا جنبه های معرفتی و نهایتاً اینکه هر دو نوع تحول اگر بتواند تغییری در عملکرد و تفکر بازدیدکننده بعد از بازدید بوجود آورد، موفق بوده است.

نکته بسیار ظریف در تاسیس هر موزه ای هدف از تاسیس آن است . شاید هدف از تاسیس یک موزه تاریخی هنری ، جمع آوری اشیایی باشد که نشانی از هویت ، لیاقت و هنر انسانها در زمانهای قدیم باشد و موزه معرفی کننده این هویت به آیندگان برای زندگی بهتر و اندیشه های عمیق تر است. و نکته قابل توجه این است که آیا روند تاریخی علوم ، نیاز به معرفی به آیندگان ندارد ؟ آیا فهم و درک مطالب علمی برای بازدیدکنندگان تاثیری در روند زندگی آنها نخواهد داشت ؟

و نهایتاً به جز زبان هنر ، زبان دیگری می تواند بیان کننده عمق مفاهیم ظریف باشد که بتواند انسان را بی اختیار متحول کند؟ پس می بایست زبانی هنری برای بیان مفاهیم علمی ابداع کرد ، زبانی تاثیر گذار ، زیبا ، طبیعی ، انعطاف پذیر و مبتکر ، تا بتوان با توسل به آن مفاهیم پیچیده علمی را توضیح داد، توضیحی دقیق و قابل فهم .

برای رسیدن به این هدف می بایست تمام جنبه های هنرهای بصری را در نظر گرفت و اگر این اتفاق روی دهد و ما به بیانی هنری برای مفاهیم علمی دست پیدا کنیم ، نهایتاً به وحدت علم و هنر دست یافته ایم .

می بایست تفکراتمان را در پژوهش برای این مبحث ، از مرز علوم فراتر برده و حد و چهارچوب علوم خالص را بشکنیم . اگر در صدد هستیم که مفاهیم علمی برای بازدیدکنندگان تاثیرگذار و برانگیزاننده برای

فعالیت‌های تحقیقی باشد، گریزی نیست به جز شکستن مرزهای صرفاً علمی . با خروج از حد و مرزهای علمی می توان با توسل به بیان هنری به اهداف آموزشی و پژوهشی موزه علوم دست یافت.

اینکه گامی فراتر از مرزهای بیان علوم برداشته می شود، تا زگی ندارد . این امر که با استفاده از اشکال مختلف هنر ، می توان به بیانی نو و جدید دست پیدا کرد ، سالهاست که با موفقیت در کشورهای دیگر انجام شده و نتایج چشمگیری نیز داشته است انتظار می رود که ما نیز مرزهای صرفاً علمی را برای بیان مباحث علمی ، بشکنیم و با وحدت علم و هنر به گستره وسیع دانش های بشری دست یابیم . در حال حاضر گریزی نیست جز پذیرفتن اینکه روش های مرسوم برای آموزش مباحث علوم با بن بست مواجه شده است و موزه ها بهترین مکان جهت آموزش علوم می باشند.

منابع

جنسن، ه-و. خلاصه تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1390.

روحانی، ؟. موزه های علوم خانه های علم، جزوه پژوهشی موزه های علوم ، جهاد دانشگاهی واحد علوم پزشکی تهران.